

فراخوان حزب حکمتیست

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم!
علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

صفحه ۵

معنای سیاسی "شور حسینی" بیانیه کنفدرالیسم جوامع کردستان (ک ج ک)

همایون گدازگر

صفحه ۶

مهسا امینی به اغما رفت اما غول انقلاب بیدار شد!

بازنگری یک تاریخ تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲

بخش دوم: خانواده امینی به سفر می روند

پروین کابلی

صفحه ۷

سپیده قلیان در یک طرف، کل نظام اسلامی در طرف مقابل

رحمان حسین زاده

صفحه ۹

دروغی به نام «درمان رایگان» و تقدیم بخش بهداشت به

سرمایه‌داری زیرپرچم قوانین مستضعف پناهی

سمیرا دولتشاهی

صفحه ۱۰

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در تقبیح بیانیه کنفدراسیون جوامع کردستان (ک.ج.ک)

صفحه ۴

بازگشت گشت ارشاد به خیابانها، این سیاست شکست خورده

سعید یگانه

است!

صفحه ۱۱

ستون اخبار مبارزات

کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و

آرش کلهر

صفحه ۱۳

صدای ارسالی سامان

یاسین از زندان

درخواست حمایت برای

آزادی او

صفحه ۵

درخشش سپیده های

آزادی و برابری

سپیده قلیان نمادیک جنبش

است!

سیاوش دانشور

صفحه ۱۲

۲۰۸ مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۳۰ تیر ۱۴۰۲ - ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۳

"موش کور انقلاب" نقب

میزند!

سیاوش دانشور

در تابستان داغ و در آستانه سالروز برآمد انقلابی شهریور، دو اردوی متخاصم انقلاب و ضد انقلاب برای دور جدیدی از نبرد آماده می‌شوند. خامنه ای و نظامش هرچه در چنته داشتند جلو آورده اند تا نشان دهند "نظام سرپا است و در مقابل امواج انقلابی کوتاه نمی‌آید!" با اتکا به نیروی سرکوب و مزدوران و مفسران عادیسازی جنایت، تلاش دارند سنگرهای از دست داده را بازپس بگیرند. ماشین اعدام و زندان و احضار و بازداشت سه شیفته کار میکنند. با سری افکنده دوباره ارواح خبیثه مُرده ریگ "گشت ارشاد" را احضار کردند. یادمان باشد که زور ما بود که گشت ارشاد را منحل کرد و در صورت ظاهر جایی گم و گور شد. آخرین کارت بازی "سردار رادن" معروف و دوربین‌هایش بود. زنان آزادیخواه، پاسدار رادن آدمکش و طرح های مششع وی را بور کردند و حتی موجب تمسخر خودی هایشان شد. حضور مجدد گشت ارشاد و دسته های اوباش موتوری همراه آن، بیانگر وحشت و استیصال حکومت است. در این خیال باطل اند که می توانند زنان را به تمکین به حجاب اسلامی وادار کنند. تلاش دارند فضای امید را به یأس و همبستگی انقلابی را به تفرقه و تقابل تغییر جهت دهند. مُکمِل سرکوب سیاسی و تروریزه کردن جامعه، سیاست تشدید فقر و فلاکت اقتصادی است. یک هدف تشدید فقر و گرانی و بیکاری، زمین گیر کردن کارگران و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اوباش گشت ارشادی تا آخوند و بسیجی و قبیح جواب دندان شکن در آستین داشته باشند، در مقابل تعرض حکومت مقاومت کنند و در کمین ضد حمله و تعرض انقلابی به لاشه فرتوت جمهوری اسلامی باشند. این صحنه های اعتصاب و اعتراض و مقاومت در هر منفذ جامعه پیش درآمد اعتراض توده ای و اعتصابی گسترده تر است.

سازش در خارج، سرکوب در داخل

استراتژی بقای حکومت در دوره انقلابی کنونی ارکان مختلفی دارد. اما بطور فشرده خود را در دو رکن خلاصه میکند: یک، "نرمش قهرمانانه" و بند و بست در قبال دولتهای منطقه و جهان. دو، سرکوب خشن علیه مردم معترض و انقلابی در داخل کشور. کسی به عر و تیز آخوندهای حکومتی که هر روز در کشورهای منطقه توی سرش میزنند و هر روز فاسدین و الامقامش با ثروتهای مردم پا به فرار میزارند، توجه نمیکند. قرار بود در سوریه و عراق جنگ کنند تا در تهران و شهرهای ایران در امنیت باشند. حالا مجبور شدند اوباش را از این کشورها جمع کنند تا در مقابل جوان فهیم و انقلابی و زن آزادیخواه و شورشی در دانشگاه و خیابانهای تهران بگذارند. جمهوری اسلامی امروز یعنی ماشین سرکوب. مابقی جهاز توخالی است که با هر موج طوفان مبارزه انقلابی بخش مهمی از آن فرومیریزد.

سیاست بند و بست با خارج با هدف تمرکز نیرو برای سرکوب در داخل، دلگرمی خاصی به رژیم گندیده خامنه ای نمیدهد. اما توجه دقیق به بند و بست دولتهای آمریکا و اروپا و برخی کشورهای منطقه با جمهوری اسلامی در اوج برآمد انقلابی از جوانی دیگر مهم است: اولاً، این دولتها و حمایت سیاسی شان، جایگاه مهمی در سیاست و استراتژی نیروهای راست اپوزیسیون داشت. یک دلیل فلج سیاسی و ورشکستگی همه طرح های آنها بی توجهی دول غربی به این نیروها بعنوان "آلترناتیو جایگزین" رژیم بود. اما دلیل مهمتر و کلیدی، دست رد زدن جامعه به تفکر و سیاست و روش و منش آنهاست. ناهمخوانی و بی ربطی اپوزیسیون راست و بورژوائی به روند انقلابی و تمایلات اجتماعی پیشرو است که صدایشان علیرغم سرمایه گذاری وسیع جایی را نمیگیرد. مذهب زدگی و شرق زدگی و ضدیت با زن و دنیای محدود آنهاست که قاپ بسیار تنگی برای افقها و آرمانهای انقلابی است. مجموعه این بستر نشان میدهد که صف بندی های کلان تر نیروها چگونه است و دوستان واقعی مردم کیانند. تاریخ ایران و مقاطع مختلف مملو از همدستی نیروهای ارتجاعی داخلی و منطقه ای و جهانی علیه تمایلات آزادیخواهانه و برابری طلبانه جامعه بوده است. در دوره انقلابی کنونی، بار دیگر و مکرراً تجربه شد که نه فقط دولتها برای کسی آزادی به ارمغان نمی آورند بلکه با بیشمیی تمام در کنار رژیم طالبان ها در کابل و تهران قرار میگیرند.

از وضعیت کنونی و تجارب مبارزات اخیر این نتیجه مسلم حاصل میشود که؛ اولاً، مردم در مبارزه جاری باید بیش از پیش به خودشان و جریانات اردوی انقلابی متکی شوند. ثانیاً، جمهوری اسلامی حکومت حافظ نظم سرمایه داری است. برای استقرار آزادی و برابری و رفاه، باید با سرنوینی انقلابی این نظام، انقلاب بی وقفه کلیه ارکانی که این نظام مبتنی بر آنست؛ از تبعیض و نابرابری، سرکوب و اعدام،

"موش کور انقلاب" نقب میزند!

سیاوش دانشور

مردم زحمتکش در جنگ فرساینده تامین نان شب است. فکر میکنند با دو رکن فقر مطلق و سرکوب خونین میتوانند اوضاع را کنترل کنند و تابستان و مناسبت شهریور را از سر بگذرانند. حکومت دو ماه مانده به شهریور قالب تهی کرده است.

در بُعد تبلیغاتی و جنگ روانی، تلاش دارند این فرضیه را در جامعه جایبندازند که "نمیشود کاری کرد"، "خیزش شکست خورده است"، تا بتوانند عنصر استیصال و نابوری را جایگزین عنصر امید و باور به امکان پذیری تغییر کنند. جمهوری اسلامی تلاش بیهوده ای را شروع کرده که عقربه ساعت سیاست در ایران را به قبل از شهریور ۱۴۰۱ برگرداند. بیش از پیش به خودی ها و مغضوبین دیروز فضا داده اند تا در باب "انتخابات" و "اصلاحات" و "قانونگرایی" و "تقابل با خشونت" و "خودبراندازی" منبر بروند. هر جناح و باندی از حکومت سیاست طرف مقابل را "براندازی نظام" تلقی میکند. البته این هم قدیمی است، این "جنگ بازنده ها" است، هر دو راست میگویند و هر دو راهی ندارند، شکست خوردند و مردم از هر دویشان منزجرند.

در اردوی مقابل، در اردوی مردم انقلابی و خواهان تغییرات گسترده، نه فقط چیزی تغییر نکرده است بلکه جرم انفجاری تجمع شده در هر منافذ جامعه، بالقوه این پتانسیل را دارد که چند حکومت نوع خامنه ای را تشییع کند و بگور بسپارد. تمام آن بنیادهای محکم و مادی که منشأ و علت بحران و برآمدهای توده ای بودند، مزمین تر از قبل برسر جایشان باقی اند و حکومت را بمصاف می طلبند. حکومتی که در بحران و فلج دست و پا میزدند، مردم نمیخواهندش، اسلام و ایدئولوژی و ورشکسته است و جامعه آن را پس میزند، رژیمی که با نفس زندگی روزمره در تناقض است و میخواهد فرهنگ عهد بیابانگردی و جهالت اسلامی را به یک جامعه قرن بیست و یکمی در دنیای انقلابات انفورماتیک و تکنولوژیک تحمیل کند و نمیتواند و هربار با سر زمین میخورد، فقر و فلاکت بیداد میکند، کشور در حال نابودی محیط زیستی است، چشم انداز رساندن امروز به فردا در هر قلمروی تاریک است، تبعیض و خشونت دولتی و غیر دولتی بیش از هر زمانی لجام گسیخته است، فساد و اختلاس و جنایت علیه زحمتکشان و بویژه زنان غوغا میکند، نفرت از دستگاه دین و شمایل وقیح آخوند بی حد و حصر است، کرور کرور زندانی و بازداشتی و اعدامی و شکنجه شده نتوانسته است جامعه را مرعوب کند. مهمتر، باور به اینکه "کار اینها تمام است و از راه رفته برنمیگردیم" عمیق است. "موش کور انقلاب" نقب میزند و راهش را باز میکند. میدانند کجا باید بروند و ردپای افق بزرگ و دورانسازش همه جا روئیت شده است.

اردوی انقلابی هم آماده میشود، نیروی انقلابی در هر نبرد ضربه میخورد، می افتد، عقب می کشد، تا روی دوش رفع کمبودهایش دوباره محکم تر برخیزد و راه را ادامه دهد. نیروی انقلاب هر روز در کارخانه و خیابان هر شهر و کوی و برزن حضور دارد تا صدای نخواستن شان را به رخ حکومتی ها بکشند، تا قانون زور را انکار کنند، تا به افسران پلیس بگویند هیچ غلطی نمیتوانی بکنی، تا علیه

خواستهای محوری کارگری را از جمله به شعار اعتراضات خیابانی و ماتریال شعرنویسی و تبلیغات تبدیل کنیم.

تقویت ارگانهای انقلابی با دستور کار انقلابی!

در سطح محلات و مناطق ارگانهای انقلابی را تقویت و واقعی کنیم. فعالیت در دنیای مجازی را به فعالیت در دنیای واقعی گره بزنیم. نظر به تجربیات دوره اخیر و جمعیندی محدودیت ها و نقاط قوت، دستور کار ویژه ای برای ماه های پیش رو تعیین کنیم. هدف عمومی تسخیر فضای محلات و مناطق، ایجاد آمادگی برای بسیج گسترده تر، پاسخ به ابهامات و رفع موانع، ایجاد امکانات مختلف لجستیکی، هماهنگی با ارگانهای مشابه در محلات و شهرهای مختلف است.

در کارخانه ها مجمع عمومی تشکیل دهیم!

مجمع عمومی را به ارگان اصلی مبارزاتی و اعتصاب تبدیل کنیم. رهبر کارگری و هر کسی که خود را "فعال کارگری" می نامد، هر کسی که از شوراها و دخالت مستقیم توده کارگران و مردم زحمتکش در سیاست و سرنوشت خویش سخن میگوید، هر کارگری که معترض است و دنبال راهی برای فریاد زدن است، باید به سنت مجمع عمومی متکی شود. مجمع عمومی منظم یک شورای بالفعل است. ما باید برای شرایطی کار کنیم که جنبش شورائی کارگری بعنوان یک نیروی غیر قابل حذف در سیاست ایران قد علم کند. این بدون پی ریزی پایه و محور اساسی شوراها یعنی مجمع عمومی ممکن نیست.

شبکه های رهبران کارگری را تحکیم کنیم!

در هر کارخانه بزرگ و هر رشته صنعتی شبکه های رهبران عملی کارگران مبشر اعتراض و اعتصاب اند. حضور اعتصابی طبقه کارگر در هر سطح، نیازمند انسجام بیشتر شبکه های رهبران عملی کارگری و داشتن یک نقشه است. مثلاً اگر کارگران نفت و گاز یا پتروشیمی ها و یا کارگران صنایع ماشین سازی و یا صنایع فلزی آهن و فولاد و آلومینیوم دست به اعتصاب بزنند، کدام مقدمات لازمست؟ کارگران بدون تهیه مقدمات و امکانات یک حرکت و بسیج همکارانشان نمیتوانند با فراخوان خشک و خالی وارد اعتصاب شوند. این شبکه ها فی الحال وجود دارند و کار می کنند اما عمدتاً محدود به یک کارخانه و یا تعدادی از صنایع هستند. اولاً، در سطح رشته راحت تر میتوان شبکه رهبران را تحکیم و درجه ای از سازمانیابی و آمادگی عملی را بالا برد. ثانیاً، آشنایی به مسائل رشته معین میتواند خواستهای اولیه برای بسیج وسیع تر کارگران را سهل الوصول تر فرموله و نهانی کند. ثالثاً، ایجاد و تحکیم شبکه ها در سطح رشته ای امکان هماهنگی و اعتصابات همزمان و هماهنگ را در چند رشته مقدور میکند. رابعاً، تعدد اعتصاب و افزایش تعداد کارگران اعتصابی خود به سکویی برای گسترش اعتصاب و عمومی شدن خواستهای آن کمک میکند.

آن نقشه و اولویت در دوره کنونی شامل این کار پایه در مورد تحکیم شبکه های رهبران عملی و اتکا به مجمع عمومی برای ایجاد آمادگی برای دخالت و همینطور عطف توجه جدی کارگران به مسائل جامعه در دوره انقلابی از جمله مسئله آزادی و برابری زن و مرد و علیه فقر و فلاکت اقتصادی است. کارگر تنها با دخالتش در سیاست ماکرو است که میتواند افق رهانبخش خود را در جامعه تسری دهد. نسل جدید و زنان عمدتاً به جمعیت دهها میلیونی طبقه کارگر تعلق دارند. وقتی کارگر صنعتی از آزادی زن دفاع میکند یا نفی هر ستمی را میخواهد، بعنوان طبقه به جلوی سیاست پرتاب میشود.

همبستگی انسانی و طبقاتی را تقویت کنیم!

صفحه ۴

"موش کور انقلاب" نقب میزند!

سیاوش دانشور

تافقر و فساد و استبداد و استثمار را در هم بکوبد .

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی

دوره انقلابی بنا به ماهیت و دینامیزم اش، از میان سوالات بیشمار و معضلات عدیده جامعه، خود را در سوالاتی کلان تر و بسیج کننده تر خلاصه و معنی میکند. در ایران امروز مسئله زن و نبرد باشکوه زنان و مردان علیه سلطه و دست درازی دین در زندگی مردم که خود را در تقابل با حجاب اسلامی و حکومت آپارتاید جنسی سمبلیزه کرده است، و کشمکش وسیع دهها میلیونی کارگران علیه فقر و فلاکت اقتصادی جبهه های اصلی نبرد طبقاتی را تشکیل میدهند. اکثریت عظیم جامعه نیروی این نبردهای مهم است. حل بسیاری از معضلات جامعه ایران به این اردوی انقلابی و پیروزی گره خورده است.

علیه حجاب و قوانین اسلامی تعرض کنیم!

قانون مبارزه انقلابی تعرض در مقابل تعرض است. کل تجربه این دوره و دوره های قبل بما میگوید که از چه طرقی چشمان نیروی های امنیتی را کور کنیم، سیستم کنترلشان را بهم بریزیم، در محله و منطقه چگونه متصل و جدا شویم، نیروی سرکوب را چگونه مهار و خفت دهیم، گروه های لجستیک درمانی و اشکال مختلف نیازهای یک کشمکش را چگونه سازمان دهیم، چگونه از عزیزانمان دفاع کنیم و چگونه مرتباً فضای ترس و وحشت را برسرشان مستولی کنیم.

تعرض علیه حجاب مجدداً شروع شده است. حجاب سوزان و ابتکارات از این دست را گسترش دهیم. رژیم میگوید حجاب نشان حکومت اسلامی و شرعی و اجباری است، ما نشان حکومت و شرع و اجبار را آتش میزنیم. ما بی حجاب راه میرویم. ما علیه گشت ارشاد می ایستیم و ماشین شان را منهدم میکنیم. هدف آنها اینست که زنان انقلابی را با وادار کردن به حجاب پس برانند و به این معنا انقلاب را سرکوب کنند، هدف ما اینست که سنگر فتح شده را تثبیت کنیم و از آن فراتر برویم. پس به هر چه نشان از سلطه و نماد حکومت است با هر ابتکاری حمله کنیم. آنها میخواهند با اعدام و سرکوب و بازداشت ما را بترسانند و ساکت کنند، ما نیز کاری کنیم که جرات رفت و آمد و حضور در اماکن عمومی نداشته باشند، آخوند و جاسوس و مزدور را افشا و در فرصت مناسب گوشمالی دهیم.

از مبارزات کارگری آگاهانه حمایت کنیم!

دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و تعرض جدید به صندوق های بازنشستگی و افزایش سن بازنشستگی، گرانی و تورم بی ترمز و هزینه دلاری، بیکارسازی های برنامه ریزی شده و دور جدید چپاول اموال عمومی تحت عنوان خصوصی سازی، امواج وسیعی از مبارزات و اعتراضات کارگری را جلو می کشد. تنها در سه ماه اول سال جاری بیش از چهار برابر سه ماهه اول سال گذشته اعتصاب داشته ایم. این اعداد و تناسب با وخامت بیشتر اوضاع با سرعت بیشتر رشد میکند. اعتصابات کارگری اینبار طیف وسیعی از زحمتکشان شهری را که رسماً گرسنه اند بمیدان می کشد. از مبارزات کارگری حمایت کنیم. در مراکز و محلات کارگری صندوق های اعتصاب و کمک به همدیگر را ایجاد و گسترش دهیم. حمایت از اعتراضات و

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

”موش کور انقلاب“ نقب میزند!

سیاوش دانشور

”یک سرمایه ارزشمند برآمد انقلابی همبستگی عمیقی است که میان بخشهای مختلف مردم ستمدیده برقرار کرده است. نیروهای دست راستی تلاش وسیعی کردند که تفرقه و تشتت را دستمایه جانداختن سیاستهای ارتجاعی خود کنند. امری که جمهوری اسلامی استاد آنست. اردوی انقلابی اما بر اصالت انسان، ارزش برابر انسانها، آزادی و برابری آنها چه در ظرفیت فردی و چه جمعی تاکید کرده است. کمونیسم و جنبش طبقه کارگر جنبشی علیه نابرابری و تبعیض و ستم بر هر اساسی است. تقویت این سرمایه معنوی از وظایف اردوی انقلابی و هر آزادیخواهی است که به یک دنیای بهتر فکر میکند.“

یاد عزیزان جانباخته را گرامی بداریم!
هر برآمد انقلابی از جمله با عزیزانی که جان باختند و اسرانی که در زندان اند شناخته میشود. آلبوم عکس جانباختگان و پوسترهای آنها را وسیعاً منتشر کنیم. هر جا و همه جا تصویر و نگاه عاشق زندگی عزیزانمان را بر فرازیم و بر دیوارها نصب کنیم. با هر ابتکاری علیه فراموشی و روزمرگی کار کنیم. برای هر عزیز جانباخته شرح کوتاهی بنویسیم، قاتلین شناخته شده شان را معرفی کنیم، بر ادامه راهشان تا پایان تاکید کنیم تا جنایتکاران در دخمه هایشان بر خود بلرزند.

مهسا، نیکا، سارینا، محسن، مجید، محمد، سیاوش، کیان، ... آسمان ایران پر از ستاره های انقلاب است. یاد عزیزان و همسنگران جانباخته را گرامی بداریم.

۲۱ جولای ۲۰۲۳

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در تقبیح بیانیه کنفدراسیون جوامع کردستان (ک.ج.ک)

در حالیکه جنبشی اعتراضی به پهنای جامعه ایران برای به زیر کشیدن اسلام سیاسی در جریان است، در حالیکه زنان در مبارزه ای بی امان بر سر حقوق خود با ارتجاع اسلامی بر سر حجاب در میدان مبارزه با سرکوبگران جمهوری اسلامی هستند، پ.ک.ک بیاد حسین و اسلام افتاده و با مقایسه روزهای محرم و کشته شدن حسین با جنبش آزادیخواهان مردم کردستان بزرگترین توهین و بی حرمتی را به مردم کردستان و جانباختگان این جنبش می کند.

البته این اولین بار نیست که این جریان، بی ربطی خود را به این مبارزات حق طلبانه نشان میدهد. این جریان در گذشته هم با تشکیل کمیته ای در رابطه با آیین ها و مذاهب، جشن ها و مراسم مذهبی، پیام و اطلاعیه های زیادی صادر کرده است.

روزی به مرتجعی چون نهر و کسنزانی بخاطر اینکه جانشین پدر مرتجع اش شده، تبریک میفرستد و زمانی کادر رهبری آنها دوران حاکمیت قساوت و جهالت محمد را به دو دوره مکه و مدینه برای خاک پاشاندن به چشم مردم تقسیم میکند. خز عیلات بیانیه این روزهای پ.ک.ک هم در ادامه سیاستهای ارتجاعی قبلی آنها و دهن کجی به مبارزات ضد مذهبی توده های متنفذ از جمهوری اسلامی و در راستای همسویی با جمهوری اسلامی است.

داستان جنگ ارتجاعی کربلا را با جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه مردم کردستان مقایسه میکند و به این ترتیب در کنار جمهوری اسلامی به پخش خرافات و تحمیق جامعه می پردازند و در مقابل جنبش ضد مذهبی مردم کردستان و ایران که عزم کرده اند، مذهب را از زندگی خود جارو کنند، قرار میگیرند. پ.ک.ک با این اطلاعیه ارتجاعی، بیشتر از گذشته، نشان داد که در کنار جمهوری اسلامی ایستاده، و این زنگ خطری برای جنبش برابری طلبانه در کردستان است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن تقبیح این بیانیه ارتجاعی، از همه سازمان ها و احزاب و نهاد و شخصیت های سیاسی و مردم آزادیخواه میخواهد که این بیانیه ارتجاعی را محکوم و از جنبش حق طلبانه مردم کردستان دفاع کنند.

این سیاستهای ارتجاعی پ.ک.ک باید هشدار می باشد به برخی جریانات در کردستان که عنوان سازمان چپ را پدک می کشند، اما بنا به منافع حقیر سازمانی و فرصت طلبانه با این جریان رابطه دوستی برقرار کرده و در مقابل چنین سیاستهایی از جانب پ.ک.ک سکوت می کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

بیستم جولای ۲۰۲۳

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

اعتصاب و اعتراضات کارگری تا حرکات توده ای و امور سازماندهی و رهبری اجزای کار ماست. دوباره برمی خیزیم! یاد یاران را با پر کردن سنگرها و تلاش برای پیروزی گرامی میداریم! علیه زن کشی و فقر و فساد و جنایت، علیه حکومت نکبت اسلامی سرمایه بمیدان می آئیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۹ تیر ۱۴۰۲ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳

صدای ارسال سامان یاسین از زندان



سامان یاسین هستم ۲۷ ساله از کرمانشاه، ساکن تهران. ۱۰ ماه است بدون ارتکاب هیچ جرمی در زندان هستم. من سیاسی نیستم، طرفدار یا عضو هیچ گروه و حزبی هم نبودم. مثل همه شما تلاش کردم اوضاع زندگیمون بهتر بشه. به دستور قاضی صلواتی حقی برای انتخاب وکیل ندارم. یک وکیل تسخیری برای

پرونده من تعیین کردند به نام آقای حسین سرتیپی. ایشان به من گفتن که قاضی صلواتی اجازه بازخوانی و رسیدگی به پرونده رو به من نمیده.

اینجا قاضی خودش از طرف خودش به وکیل تسخیری برات انتخاب میکنه و بعد هم اجازه نمیده رو پرونده ات کار کنه. نمیدانم چه جرمی مرتکب شدم که حتی وکیل تسخیری هم اجازه کار کردن رو پرونده ام را نداره. تمامی این کارها و این دروغ ها ابزاریست برای آزار و اذیت من. وکیل تسخیری تعیین شده از جانب یک قاضی نا عادل و یک دادگاه نا صادق، برای منی بیگناه که نیروهای امنیتی نصف شب به خانه ام حمله کردن و دستگیر کردن. نمیدانم دنبال چه هستید؟

اگر جرمی مرتکب شدم و مدرکی دارید، رو کنید و به من حکم بدین، اگر بیگناهم که آزاد کنید، چرا بلا تکلیف میزارید. مطمئن باشید اگر صد سال هم در زندان نگه دارید چیزی بدست نخواهید آورد چون هیچ جرمی ندارم و گناهی مرتکب نشدم. شغلم همین موسیقی و گرافیکه و جز اینها فعالیتی هم ندارم. هیچ فعالیت سیاسی هم نداشتم یعنی سواد ندارم که بخوام در مورد سیاست حرفی بزنم. آهنگ های من هم خودم برای اوضاع نابسامان قشر فقیر و درمانده جامعه است که التیام دردهایشان باشد.

اگر موسیقی و هنر خواندن برای قشر دردمند جامعه، فعالیت سیاسی محسوب میشه بر همین اساس هم برای من حکم صادر کنید. اینکه ۹ ماه کاملاً بیگناه در بلا تکلیفی در زندان باشی بسیار زجر آور است.

حال روی سختم با شماست که میتونید به من کمک کنید. صدای من باشید تا از زندان آزاد شوم.

به امید روزهای بهتر

به امید آزادی همه زندانیان عزیز

با احترام سامان یاسین

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم! علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

با قتل عمد حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زنان و مردان آزادیخواه در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روبروی بیمارستان کسری و خیابان آرژانتین تهران جرقه اولین اعتراض را با شعارهای: "ما همه مهسا هستیم"، "می کشم می کشم آنکه خواهرم کشت"، "مرگ بر خامنه ای" و "بنام دین و قانون حلال شده خونمون" را زدند. اجتماعات گسترده بعدی در سقز و مراسم خاکسپاری مهسای عزیز و حجاب برگیران دستجمعی، بشکه باروت انزجار توده ای از حکومت ضد زن اسلامی را منفجر کرد. سلب آزادی و زندگی و ضدیت با زن و پشتوانه یک تقابل قدیمی زنان با حکومت اسلامی شعار؛ "زن، زندگی، آزادی" را به صدر راند. با اعتراضات توده ای و زن محور، حجاب سوزان، ضدیت علنی و توده ای با آخوند و دستگاه دین، تقابل با فقر و گرانی و خواست برابری و رفع تبعیض، جامعه وارد یک دوره انقلابی شد. قریب ۳۰۰۰۰ بازداشتی و ۱۰۰۰ جانباخته و ترور و اعدام آزادیخواهان نتوانست اراده انقلابی را درهم شکند.

آخوندهایی که در هفت سوراخ پنهان شده بودند بعد از کاهش اعتراضات توده ای و سرکوب خشن، زبان درازی را مجدداً آغاز کردند. انتساب جنایتکار مشهوری مانند پاسدار رادان و تمهیدات حکومتی نتوانسته است سنگرهای فروریخته نظام را بازپس بگیرد. حجاب عملاً ورافتاده است و حکومت خامنه ای علیه قامت بلند انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. سرکوب حکومت با تعرض به سفره خالی دهها میلیون کارگر با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و طرح موسوم به "برنامه توسعه هفتم" قرار است جامعه را به یک برده داری تمام عیار سوق دهد و به تمکین بکشاند. این سیاستها اجزای مکمل و واحد تقابل ضد انقلاب اسلامی با برآمد انقلابی علیه امواج آزادی و برابری است.

در این دوره دیدیم که دولتهای دمکرات برخلاف ادعاهای صوری حمایت از حرکت انقلابی کنار جمهوری اسلامی و قاتلین عزیزان ما ایستادند. دیدیم که اپوزیسیون راست با امکانات زیاد اقتضاح ببار آورد و از سپاه و نیروی سرکوب حمایت کرد و مهمتر جامعه ایران دست رد به سینه آنها زد. بیش از پیش روشن شد که ما فقط میتوانیم روی پای خود بایستیم و به نیروی خود تکیه کنیم. برآمد انقلابی تنها میتواند به نیروی انقلابی و رهبری انقلابی و سیاست انقلابی متکی شود.

کارگران، زنان و مردان و نسل پرشور انقلابی!

از امروز تا ۲۵ شهریور نبردهای مهمی پیش رو است. تابستان را میتوانیم و باید به پیش درآمد بپاخاستن مجدد و سهمگین توده ای و انقلابی بدل کنیم. میتوانیم با ترکیب اعتراض و اعتصاب زمین را زیر پایشان داغ کنیم. میتوانیم سنگرهای جدیدی فتح کنیم و حاکمیت فقر و فساد و جنایت را به گورستانی بفرستیم که از آن بیرون آمده اند.

فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اینست که سالروز قتل مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانباختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. از امروز تا شهریور ماه باید در سنگرهای مختلفی حضور یافت. از

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



همواره زیر نظر داشته باشند .
سیامند معینی از رهبری پژاک
اخیرا در تلویزیون آرین (آرین تی
وی) اظهار داشته است که “ ما
هیچوقت نخواسته ایم و نمی خواهیم
که با جمهوری اسلامی وارد جنگ
شویم “. گرچه این حقیقت را
بخش‌های قابل توجهی از مردم
کردستان در رابطه با پ ک ک و
اقمار آن می‌شناسند، اما اظهارات
و عکس‌العمل‌های این جریان باید
همواره افشا و جامعه را از عواقب آن آگاه کرد.

از طرف دیگر احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان علیرغم اختلافات
فرقه ای اما در افشا این سیاست‌های پ ک ک زبان‌شان قاصر است . زیرا
خود آنها هم در مقاطع مختلفی نگاهی به جمهوری اسلامی و ساخت
وپاخت با آن داشته اند . در صورتیکه حمله اخیر جمهوری اسلامی به این
احزاب در کردستان عراق و برنامه دولت عراق و حکومت اقلیم کردستان
برای خلع سلاح آنها می‌تواند دست نیروها نیابتی جمهوری اسلامی را در
ترور و فشار آوردن بر این جریانات بازتر کند.

همچنین جریانات معدودی در منطقه که اسم چپ و کمونیست را هم بر خود
گذاشته اند و در چنین مقطعی و صدور چنین بیانیه‌های معنا داری از
طرف پ ک ک ، شرمگینانه سکوت اختیار کرده و در واقع راه خاک
پاشیدن به چشم مردم و ساخت و پاخت با جمهوری اسلامی را برای آنها
آسان تر می‌کنند ، باید در مقابل عواقب این خطرات و سکوت معامله
گرانه خود جوابگو باشند . ماهیت این دوستان دروغین مردم مبارز
کردستان باید نزد افکار عمومی جامعه کردستان افشا شود.

۲۱ جولای ۲۰۲۳

مبارزه با مذهب

دروغ تحویل مردم می‌دهند. مردم را می‌ترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می‌ترسانند و در آن دنیا از عقوبت این درست مثل مافیا است .

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودی، قبل از اینکه مجموعه ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات می‌گیرد، پول می‌گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می‌کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام میشود را کنار هم بگذارید میبینید با ثروت بزرگترین کمپانی‌های بین‌المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می‌کنند محصولش را بفروشند. سعی می‌کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می‌کند مصرف‌کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه ای که می‌خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه باختر کربلاست .

این یک صنعت عظیم خرافه پراکنی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است .

و اگر شما یک جامعه آزاد می‌خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپانی‌های سودجویی مقابله میکنید که میدزدند و میبرند و جای خودشان ویرانه بجا میگذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونیست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)

معنای سیاسی “شور حسینی” بیانیه کنفدرالیسم جوامع کردستان (ک ج ک)

همایون گدازگر

بیانیه مذهبی جریان پ ک ک که از آستین کنفدراسیون جوامع کردستانشان (ک ج ک) در آمده است ، پدیده تازه ای نیست . اینها هر ساله بسیاری از مراسم مذهبی و ارتجاعی را همزمان با جمهوری اسلامی و رژیم بشار اسد اجرا می‌کنند . این مراسم‌های کهنه پرستانه ، سالهاست وسیله مشترک پ ک ک و رژیم‌های سرکوبگر منطقه است ، برای تحمیق توده‌های بجان آمده از دست اسلام سیاسی و حکومت‌های آن در ایران و عراق و سوریه.

سوز و گداز بیانیه کهنه پرستانه ک ج ک در باب تعریف و تمجید از “ جنبش حسینی معاصر “ و ربط دادن آن به مبارزات مردم کردستان ، ادامه خطی سیاستی است که جریان پ ک ک سالهاست دنبال می‌کند . سیاستی که همواره با قرار گرفتن در کنار مرتجعین منطقه ای بعنوان پلی برای نزدیکی به جمهوری اسلامی از آن استفاده کرده اند. اما خود این بیانیه‌ها و ارتجاع حاوی آنها، هنوز اهداف سیاسی پشت آن و خطراتی را که این جریان می‌تواند در مقابل جنبش عظیم رهایی مذهبی در منطقه بوجود بیاورد بیان نمی‌کند . زیرا همین امروز نزد بخش‌های مهمی از جامعه ایران این یاوه‌گوییها و اینکه “ شخص حسین و یارانش در کربلا ارزش‌های بشری اند و ... “ مورد جوک و تمسخر مردم اند . علاوه بر آن در این سالها و در حال حاضر یک جنبش عظیم توده‌ای برای جارو کردن رژیم در میدان است ، که ۴۳ سال است جنبش علی و حسین وسیله اشان برای تحمیق و سرکوب مردم بوده است . سبلی که علیه اسلام سیاسی در جامعه ایران راه افتاده است همراه جمهوری اسلامی این کناره‌ها و عاشقان حسین را هم به زیاله دان تاریخ خواهد انداخت. جریان پ ک ک و کنفدرالیسم جوامع آن بخصوص امروز که زنان و مردان آزادیخواه ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را بصدا درآورده اند در همسویی با جمهوری اسلامی و آمادگی برای تقابل با جنبش ضد مذهبی کنونی برای کسی شک و شبه ای باقی نگذاشته اند . جمهوری اسلامی علیرغم گردنکشی و شروع دوباره موج ترور و زندان ، در حال ضعف و تشنیت درونی است . این را هر انسانی که مختصر اطلاعاتی از اوضاع سیاسی ایران داشته باشد در می‌یابد . در چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی برای ادامه بقا می‌تواند از هر نیرویی علیه صف مردم مبارز استفاده کند . شأن نزول بیانیه ک ج ک و سابقه همخوانی سیاست‌های این جریان با جمهوری اسلامی آن خطری است که مردم آگاه و جریانات مسئول در کردستان نباید در برابر آن بی تفاوت باشند

در کردستان که جوانان و مردم مبارز طی یک سال گذشته با رشادت و قهرمانیهای بسیار و بخاک افتادن جان‌های عزیز زیادی نشان دادند که بر ای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی عزم جزم کرده اند ، باید مواظب چنین توطئه‌هایی از جانب جمهوری اسلامی بود . کردستان تحزب یافته و مسلح با پیش گرفتن چنین سیاست‌هایی از جانب پ ک ک می‌تواند مخاطره آمیز باشد . مردم آزادیخواه و مبارز و احزاب و سازمانها ، بخصوص صف چپ و آزادیخواه کردستان باید حرکات جریانات از قبیل ک ج ک و دیگر وابستگان. پ ک ک را



«مدیران و رؤسای اداره‌ها و بانک‌ها موظف‌اند به افرادی که بدون حجاب شرعی در اداره‌ها و... حاضر می‌شوند، خدمتی ارائه ندهند.»

در پی تیراندازی گشت ارشاد در تهران به زن و شوهر جوانی در رابطه با عدم رعایت حجاب اسلامی، روزنامه‌های

دولتی از جمله روزنامه طرفدار جناح اصولگرایان نوشت: «که برخورد‌های سخت و خشن گشت ارشادی مخالف رویکرد بزرگان جبهه انقلاب اسلامی است. حکم حجاب در اسلام برای دفاع از زن است. برخورد با بدحجابی نباید به حیثیت زنان لطمه بزند. گشت ارشاد نه تنها از حجاب صیانت نکرده، بلکه بذر نفرت و کینه بین قشری از جامعه پراکنده است» «دعوا در بالا در شیوه سرکوب جامعه بالا می‌گیرد.»

اخبار شهرهای دیگر هم تقریباً حکایت از گسترش حضور زنان بی حجاب اسلامی دارد.

شهر قم از شهرهایی است که صدای مسئولین رژیم را درمی‌آورد. سپاه استان قم از پلمب سه کافه به‌خاطر «کشف حجاب» «خبر داد و اعلام کرد» «پاکسازی و نظارت بر قهوه‌خانه‌های سنتی و کافه‌های پراسیب توسط ۹ تیم متشکل از پلیس امکان، قرارگاه امر به معروف و نهی از منکر ثارالله و قرارگاه ۱۹ دی استان قم» انجام شده و روز سه‌شنبه فرماندار بوشهر نیز با تاکید بر این که اتاق خانم‌ها و آقایان در ادارات باید جدا باشد، تهدید کرد که «هر مدیری کوتاهی کند، عزل خواهد شد.»

فرماندار بوشهر، صالح رحیمی، همچنین دستور می‌دهد که «هیچ خانمی نباید در شورای اداری شهرستان بوشهر بدون چادر حاضر شود.» «این دستورها نشان می‌دهد که زنان بدون حجاب اسلامی در محل کار خود حاضر می‌شوند.»

در ۱۶ تیر ابراهیم رئیسی قصاب دهه ی ۶۰ به کردستان سفر می‌کند تا بقول خیرگزاری تنسیم با «:علمای اهل سنت» «که در واقع مزدوران دست‌نشانده رژیم در کردستان هستند، ملاقات کند. این سفر با بی‌اعتنایی مردم روبرو می‌شود. موقعیت سیاسی کردستان رژیم را به هراس انداخته است و سفر رئیسی در واقع یک مانور سیاسی بیش نبود.»

اتفاقی که ۲۵ تیرماه ۱۴۰۱ در اتوبوس حامل سپیده ی رشنو می‌افتاد هنوز در کنار صدها اتفاق دیگر که دستگیری زنان و مقابله با آنها را نشان می‌دهد بطور دائم مورد بحث و توجه است.

جنگ تن به تن و گروهی زنان مورد توجه روزنامه‌های و مدیای خارج از ایران قرار گرفته و در این مورد گزارشهایی منتشر می‌کنند.

در کلاب هاوس ها هزاران نفر به بحث و گفتگو می‌نشینند. رژیم کلاب هاوسهای خود را با آوردن مهره‌های خود تقویت میکند تا فضای سیاسی را به نفع خود برگرداند. توجه به اتفاقات و اعتراضات عمومی مردم در ایران در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. در شهرهای اروپایی گروه‌های چپ و سوسیالیست در دفاع از مبارزات زنان علیه حجاب اسلامی اجتماعاتی را سازمان می‌دهند.

دادگاه حمید نوری که از یک سال پیش در سوئد توجه میدیای جهانی و سازمانهای حقوق بشر را به خود جلب نموده است.

صفحه ۸

مهسا امینی به اغما رفت اما غول انقلاب بیدار شد!

بازنگری یک تاریخ تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان

۱۴۰۲

بخش دوم : خانواده امینی به سفر می‌روند

پروین کابلی

منصور حکمت در ۱۳ ژوئن ۱۹۹۹ در مصاحبه‌ای با رادیو همبستگی مالمو می‌گوید: «من فکر می‌کنم آنچه در جریان است یک نفرت عظیم اجتماعی از اسلام است که در بخش اکثریت جامعه تلنبار شده و روز به روز دارد فشارش بیشتر میشود و این بزودی سدها را میشکند، زنجیرها را پاره میکند و ایرانی را که بیست سال مسند حاکمیت اسلام ارتجاعی بوده به یکی از مراکز مبارزه با نهضت ارتجاعی اسلام در منطقه تبدیل میکند. من اینرا مطمئن هستم. فکر می‌کنم آن حرکتی که از نظر فکری و مبارزات فکری و معنوی و فلسفی در طول تاریخ در ایران نشده، شاید این دفعه به حکم شرایط سیاسی توسط عمل سیاسی مردم صورت بگیرد. یعنی هجوم ضد اسلامی مردم بخاطر تجربه بیست سال حاکمیت ارتجاعی اسلام در این کشور و جناباتی که به همین اسم شده و بخاطر اسلام شده. نفرتی که از اسلام وجود دارد در تاریخ آن کشور بیسابقه است.» خط زیر جملات بالا تاکید از من است.

اختلاف و جدال در بالایی‌ها برای کنترل جامعه در اظهارات آنها بوضوح دیده می‌شود. اما در صورت مسئله همگی شریک هستند. سرکوب زنان، جوانان، خراب کردن خانه برسرآلونک نشینان، سرکوب مبارزات معلمان، بازنشستگان، کارگران، کولبران تنها آلترناتیو موجود است. خطری بزرگ موجودیت رژیم و اسلام را تهدید می‌کرد. برای سران رژیم محرز بود که جدالی برای سرنگونی و علیه کلیت اسلام در حال شکل گرفتن است.

فعالین کارگری و اجتماعی یکی بعد از دیگری دستگیر می‌شدند. زندان‌های سیاسی مملو از شخصیت‌های سرشناس کارگری، معلمان، فعالین حقوق کودکان کار، روزنامه‌نگاران و غیره بود.

در ۲۶ خرداد ۱۴۰۱ علیرغم فضای سنگین امنیتی، در بسیاری از شهرها فرهنگیان وسیعاً به خیابان‌ها آمدند و به وضعیت معیشتی خود اعتراض می‌کردند. در این اعتراضات معلمان خواستار رفاه و آسایش و شعار «معلمان زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.» «معلم بپا خیز، برای رفع تبعیض» صدایشان در بسیاری از شهرها طنین انداز شد. در شهرهای کردستان دستگیریهایی وسیعی با حمله به منازل فعالین کارگری و معلمان صورت گرفت.

در تیر ماه شهردار مشهد منع زنان بی حجاب به مترو را غیرقانونی می‌داند اما می‌گوید: «که دستور باید اجرا شود.» «بی‌حجابی طبق گفته مقامات شهر مشهد بیش از پیش گسترش پیدا می‌کند. طوریکه اسماعیل رحمانی معاون دادستان مشهد اعلام می‌کند که «خدمات به افراد بدحجاب را در اداره‌ها ممنوع کنند.» «به‌گفته این مقام قضایی،

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

مهسا امینی به اغما رفت اما غول انقلاب بیدار شد!**بازنگری یک تاریخ تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان****۱۴۰۲****بخش دوم : خانواده امینی به سفر می روند****پروین کابلی**

محل برگزاری دادگاه در شهر استکهلم در طول روند دادگاه به مکانی برای افشاگری از زندانهای مخوف جمهوری اسلامی و قتل عام زندانیان و مبارزات مردم تبدیل شده بود. در ۱۴ جولای ۲۰۲۲ برابر با ۲۳ تیر ۱۴۰۱ دادگاه برای جنایت علیه بشریت به او حکم زندان ابد را صادر می کند.

در ۲۱ تیر ماه ۱۴۰۱ عباس محمد حسنی رییس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش گفت : «اگر حجاب و عفاف به عنوان خاکریز اول مقابله با جنگ نرم دشمن از دست برود، خاکریزهای دیگرمان را نیز از دست خواهیم داد. دشمن برای تسخیر این خاکریز همه توان خودش را به میدان آورده است.»

پانیک و ترس رژیم در تمام گفته ها و وضع قوانین جدید به وضوح خود را نشان می داد.

در ماه تیر و خرداد اخبار اعتراض کارگران در بخش پایه های نفتی خارک و عسلویه به وضعیت غذا و بیمه تکمیلی، اعتصاب رانندگان شرک فولاد خوزستان در اعتراض به مشکلات معیشتی، ادامه اخراج و بازداشت کارگران مجتمع مس سونگون ورزقان، خبر تجمع اعتراضی کارکنان مخابرات استانها در سراسر کشور تجمع اعتراضی اینترن های دانشگاه علوم پزشکی در بیمارستان تجریش، تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی و ده ها مرکز صنعتی دیگر در سراسر کشور اخبار ایران را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

ماه مرداد بار دیگر تصاویری از زنان بر روی سکو های خیابانها در اعتراض به حجاب اسلامی منتشر می شود. در شهر یزد در حسینیه ی گلچیان زنان به سخنرانی یک آخوندی که در مورد بدحجاب صحبت می کند و می گوید: «هر مردی که زنت حجاب ندارد در بهشت جای ندارد» مورد اعتراض زنان در همانجا می شود. اعتراض طوری بالا می گیرد که آخوند مربوطه رسماً در درون حسینیه از زنان معترض عذرخواهی می کند.

سخنرانی نمایندگان مجلس در جلسات نشان از سردرگمی، ترس از انفجار خشم مردم بیشتر شده است. تعدادی از آنها کف چرانی می کنند و به دولت برای اهمال در سرکوب حمله می کنند. همه ی سران رژیم این را فهمیده بودند که دستگاه سرکوب آنها توانایی مقابله با خشم مردم را از دست داده است و دنبال چاره بودند.

خیابان های ایران در تابستان ۱۴۰۱ هوای دیگری دارد. فرم لباس و انتخاب رنگهای شاد، چهره دیگری به شهرها داده است. تعداد نوازده گان خیابانی بسیار بیشتر از گذشته است. زنان هنرمند و نقاش بدون حجاب اسلامی در خیابان بساطشان را پهن کرده و هنر خود را به نمایش گذاشته اند و مردمی را که در خیابان در گذرند بسوی خود جلب می کنند. زنان و مردان با لباسهای زنگی و بدون حجاب اسلامی کافه شاپ ها نشسته و یا در کنار هم در خیابانها قدم می زنند.

تابستان فصل قدم زدن در پارکها و مسافرت هم هست. در شهر سقز در استان کردستان، خانواده مهسا امینی با دو فرزندشان زندگی می کنند. فرزند اول خانواده ژینا که مهسا صدایش می زنند خیر قبولیش را از دانشگاه دریافت کرده و فرزند دیگر این خانواده آرش، نوجوانی بیش نیست آماده سفر تابستانی هستند. قرعه برای سفر به شمال ایران و دریای خزر در آمد. سفر به شمال چند روزی بیش طول نمی کشد و در راه بازگشت به اصرار مهسا برای دیدن عمه اش، تصمیم می گیرند که توفقی کوتاه در تهران داشته باشند.

روز سه شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ مهسا و برادرش در ساعت ۶ بعدازظهر از ایستگاه متروی حقانی در بزرگراه حقانی خارج میشوند. گشت ارشاد در مقابلشان ظاهر میشود و بلافاصله مهسا بجرم بدحجابی دستگیر میشود. آرش امینی در اعتراض به دستگیری و ضرب و جرح به خواهرش صدایش را بلند می کند. مردم دور آنها حلقه می زنند. رهگذران با دیدن این صحنه به گشت ارشاد اعتراض کرده و تلاش آرش جوان برای برای انصراف گشت ارشاد برای دستگیری خواهرش به جایی نمی رسد. مامورین با پرتاب گاز اشک آور به جمعیت خشمگین جواب می دهند.

مهسا امینی با ماشین گشت ارشاد در حالیکه مجروح شده است به ساختمان پلیس امنیتی در خیابان وزرا برای گذراندن کلاس توجیهی منتقل میشود. آرش امینی خود را به مقابل ساختمان پلیس امنیتی در خیابان وزرا می رساند. دوساعت بعد متوجه می شود که آمبولانسی از ساختمان خارج می شود.

آرش خیر نداشت که این خواهر بیهوش او است که به بیمارستان کسری منتقل میشود. مهسا امینی به اغما رفت.

ادامه دارد.



اسلام و اسلام زدایی
منصور حکمت
ژانویه ۱۹۹۹

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبینش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

شورا مجمع عمومی سازمان یافته و منظم است!



به خیابانها کشاندند، درست در این موقعیت از درون زندان و در "مجتمع قضایی" متشنج شده، سپیده قلیان با اعتماد بنفس حجاب اسلامی شان را به هیچ میگیرد و پروژه معماری شده "دادگاهی" به شکست کشیده میشود. هر انسان منصفی میداند این واقعه موفقیت مهمی برای سپیده قلیان و آزادیخواهان و برابری طلبان، پیروزی جدی برای جنبش ضد حجاب اسلامی و شکست و ناکامی

آشکاری برای جمهوری اسلامی و دم و دستگاه اوباش قضایی و زندان و شکنجه و گشت ارشاد است. این پدیده مبارزاتی شورانگیز را در آستانه سالگرد خیزش انقلابی شهریور سال گذشته باید به فال نیک گرفت.

درود بر سپیده قلیان چهره سنت شکن و خلاف جریان و شجاع جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی

۲۰۲۳-۷-۲۱

دروغی به نام «درمان رایگان» و تقدیم بخش بهداشت

به سرمایه‌داری زیر پرچم قوانین مستضعف پناهی

سمیرا دولتشاهی

جامعه از طریق تولید جامعه فاقد بهداشت تن و روان، و فاقد دانش و اطلاعات است تا جامعه را پیشاپیش برای هر سناریوی فاشیستی سیاهی آماده کند. زیرا بی‌تردید آموزش و بهداشت دو ستون محکم استوار جامعه است که در اقتصادهای بورژوازی اروپا نیز تعهد دولت به تهیه ارزان و سراسری آن وظیفه‌ای اساسی شمرده می‌شود.

حزب حکمتیست در برنامه‌ی عملی خود (برنامه یک دنیای بهتر) یکی از کامل‌ترین برنامه‌ها برای پوشش سراسری بهداشت و درمان رایگان پیشنهاد داده و در برابر بدیل‌های سرمایه‌سالارانه نیروهای دست راستی در حوزه اجتماعی، آن را به مثابه قانون و از طریق اهرم کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر تضمین می‌کند:

«طب و خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، مناسب، و در دسترس برای همه. معاینه منظم و واکسیناسیون کامل کودکان. تضمین برخورداری همه کودکان از یک رژیم غذایی کافی و مناسب مستقل از سطح درآمد خانواده، منطقه و محل اقامت و غیره. ریشه کن کردن بیماری‌های اپیدمیکی و عفونی ناشی از عدم سلامت محیط زیست، معاینه منظم همه شهروندان در برابر بیماری‌های قلبی، سرطان‌های رایج و بیماری‌هایی که تشخیص به موقع آنها در درمان و تخفیف عوارض آنها حیاتی است. گسترش و بهبود جدی سطح بهداشت عمومی، اطلاعات پزشکی و بهداشتی عامه. گسترش و سازماندهی امکانات پزشکی و درمانی به نحوی که دسترسی فوری به طبیب و دارو و درمان برای کلیه ساکنین کشور آسان باشد».

چنین نقطه مطلوبی بدون تجمیع قدرت سیاسی در دستان طبقه کارگر که ذی‌نفع‌ترین بخش جامعه در تحقق آموزش و بهداشت و درمان رایگان است، تضمین نخواهد شد و برنامه سیاسی ما ضامن این برنامه اجتماعی خواهد بود.

۲۷ تیر ۱۴۰۲

سپیده قلیان در یک طرف، کل نظام

اسلامی در طرف مقابل

رحمان حسین زاده

میتوان تصور کرد که صحنه نبرد بسیار نابرابر و ظالمانه بوده است. صبح روز چهارشنبه ۲۸ تیر ماه در صحن بیدادگاه جمهوری اسلامی سپیده قلیان جسور در یک طرف و نمایندگان جبون نظام اسلامی از دستگاه‌های مخوف به اصطلاح قضایی، زندانبانان و شکنجه‌گران و بازجو - خیرنگار و وکلایش و مزدوران گشت ارشاد در طرف دیگر صف بسته اند. به روال معمول صحنه بیدادگاه در راستای نیات "رهبر" و حافظان نظام سیاه اسلامی صحنه آرای شده است. از جمله از حضور وکلای سپیده عزیز جلوگیری به عمل آمده است. به زعم "آمرین و عاملین" جاهل لحظه به "محاکمه کشاندن" سپیده قلیان نماد انقلابیگری و آزادیخواهی و برابری طلبی فرارسیده است. اما بسیار زود کل بساطشان به هم خورد. در ابتکاری هوشمندانه و خلاف جریان قابل انتظار، سپیده قلیان رزمنده حاضر نشد "حجاب و شئون اسلامی" را رعایت کند. سناریوی معماری شده شان به هم ریخت. اعمال فشارهای مسئولان بیدادگاه فایده نداشت. ایستادگی شجاعانه سپیده ورق را برگرداند. میگویند فضای "مجتمع قضایی" متشنج شد. بیدادگاهشان به تعطیل کشانده شد. سپیده قلیان "محاکمه" نشد. برعکس اما سپیده باردیگر جمهوری اسلامی و پروژه پوسیده "حجاب و عفاف و شئون اسلامی" را به محاکمه کشاند. مردم ایران و صف وسیع آزادیخواهی در جهان پیام سپیده قلیان را گرفتند. جمهوری اسلامی با حجاب و شئونانش باید برود.

صحنه نبرد عوض شده، تناسب قوا تغییر کرده است!

در شروع این یادداشت نوشتیم "میتوان تصور کرد که صحنه نبرد بسیار نابرابر و ظالمانه بوده است" در یک طرف سپیده قلیان و در طرف مقابل کل نظام اسلامی. اما این شکل فرمال صف آرای بوده است. با اندکی تعمق متوجه میشویم در این صف بندی سپیده قلیان فرد نیست. تنها نیست. یک تنه به جنگ و وحش حاکم اسلامی نرفته است. جسارت و شجاعت انقلابی و قابل تحسین او ریشه در جسارت و توان چند ساله جنبشهای اعتصابی و اعتراضی گسترده رادیکال کاریگری و توده ای دارد، که سپیده خود یکی از فعالین آگاه این مبارزات بوده است. او متکی به جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، متکی به پتانسیل حرکت زنان و مردان آزادیخواه ایران، متکی جنبش و حرکت چندین ساله حجاب سوزان، متکی به دستاوردهای خیزش انقلابی نزدیک به یکسال اخیر، او به عنوان صدای رسای مهساها و نیکاهها و ساریناها و هزاران جانباخته راه آزادی و برابری در این نبرد شرکت کرده است. این نقطه قدرت سپیده قلیان و هر مبارز رادیکال آزادیخواهی و برابری طلبی است. سپیده قلیان به خوبی این واقعیت را تشخیص داده و چه مبتکرانه و آگاهانه و قابل تحسین به موقعیت خود آگاه است و رسالت نمایندگی کردن خیزش انقلابی و حق طلبانه کارگران و مردم را به عهده گرفته است.

در روز ۲۸ تیرماه، در شرایطی که کل نظام اسلامی برای تحمیل دوباره حجاب به زنان بسیج شده اند، گله گشت ارشادشان را دوباره

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

دیگر باید با جیب پر در این مراکز حضور پیدا کنند. این حذف خدمات رایگان و تبدیل شدن بهداشت و درمان جامعه به کالا در چند حوزه رخ داده است:

در بخش دارو با کاهش چراغ خاموش اقلام تحت پوشش بیمه و اعلام اینکه «این یا آن دارو از شمول لیست بیمه خارج شده است» یا بهانه‌هایی مانند «قطع شدن سیستم الکترونیکی بیمه» یا «نبود دارو» کلیه بخش‌های دارویی به مرور پولی شده است. اعلام اینکه برخی از تجهیزات متفاوت از آن چیزی است که بیمه پوشش می‌دهد و اعلام گران شدن و نایاب شدن برخی اقلام، عملاً داروی رایگان برای درمان افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی در مراکز دولتی را به یک رویا بدل کرده است. همچنین بسیاری از داروخانه‌های کوچک و بزرگ طرف قرارداد سازمان تأمین اجتماعی نیز گاه و بیگاه با ادعای اینکه چندصد میلیون تومان از سازمان طلب دارند، عرضه دارو با نرخ‌های ارزان مصوب را انجام نمی‌دهند.

در بخش درمان، فشار به جامعه پزشکی از طریق سرکوب تعرفه‌های خدمات درمانی پزشکان باعث مشارکت بخشی از پزشکان به صورت ناگزیر یا خودخواسته در فرآیند دور زدن قانون نمایشی الزام شده است. بخش قابل ملاحظه‌ای از پزشکان مراکز تأمین اجتماعی با ادعای اینکه وقت انجام خدمات ویزیت، جراحی و... را ندارند، بیماران را به مراکز خصوصی و نیمه خصوصی (هیات امنایی و...) معرفی می‌کنند و از بیماران مبالغ کلان می‌گیرند. افرادی که نمی‌خواهند از این رهگذر درمان پولی داشته باشند، باید در صفوف طولانی و نوبت‌های چندماهه (گاه شش ماهه) برای دریافت درمان، جراحی و حتی ویزیت پزشک متخصص قرار بگیرند.

در بخش خدمات دستگاهی و تجهیزات پزشکی، این روزها تقریباً اغلب خدمات درمانی دستگاهی بیمارستان‌ها نیز (از آنژیوگرافی، دیالیز، نصب انواع پروتز داخل بدنی، پیوندها و...) با ادعای اینکه «این قطعه یا آن قطعه و فیلتر دستگاه مشمول بیمه نیست» به صورت پولی و با هزینه‌های متفاوت انجام می‌گیرد.

در شرایطی که بیش از سه چهارم (۷۵ درصد) بازنشستگان کشور افراد حداقل بگیر هستند و حقوق حداقل کفاف خوراک روزانه افراد را نیز نمی‌دهد، بازنشسته‌ای که به شکل غیرقانونی کار نکند و نیاز به درمان داشته باشد، عملاً در صفوف و نوبت‌های طولانی به امضای برگه فوت خود اقدام می‌کند. رفته رفته این سیستم به نقطه‌ای می‌رسد که افراد حتی برای تهیه هزینه کفن و دفن و قبر نیز از طرف سیستم بیمه‌ای حمایت نمی‌شوند و گویی اجازه مردن هم ندارند.

روشن است که قوانین مستضعف پناهنده ابتدای استقرار جمهوری اسلامی و سپس قوانینی چون قانون الزام صرفاً کارکرد نمایشی دارد و آنچه در پشت پرده به شکل واقعی وجود دارد، وظیفه حذف تعهد دولت به حوزه آموزش و بهداشت و درمان به نفع طبقه سرمایه دار و بورژوازی "خودی" و حتی "نیمه خودی" ایرانی مطابق با برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول است.

آن‌هم به بهای پولی کردن خدمات به بیش از ۲۰۰ هزار مراجعه کننده روزانه به مراکز درمانی بیمارستانی و درمانگاهی، و انتقال منابع بودجه‌ای کشور از این حوزه در قالب وام‌های بی حساب و کتاب تورم‌زا به طبقه مسلط با شعار «حمایت از تولید» است. ما پیشاپیش هشدار می‌دهیم که این خیزی برای انهدام

دروغی به نام «درمان رایگان» و تقدیم بخش بهداشت به سرمایه‌داری زیرپرچم

قوانین مستضعف پناهی

سیمرا دولتشاهی

با روی کار آمدن سیستم جمهوری اسلامی و آغاز درگیری‌های رژیم در دوره استقرار، در مقابل فشار خواستهای آزادیخواهانه انقلاب از جمله میان کارگران و مردم انقلابی، همینطور زیر فشار هژمونی انتقاد سوسیالیستی بر بخشی از جهان در سال‌های اول پس از انقلاب و نیروهای چپ داخل کشور، قانون اساسی این رژیم مدعی انقلاب، بناچار در رقابت با این مجموعه سیاسی، مزین به یک سری از ادعاها و اطوارهای مستضعف پناهنده از جمله فراهم کردن درمان رایگان در این قانون شد؛ ادعایی که بعدها نیروهای راست ایرانی آن را یکی از دستمایه‌های خود برای یک ادعای مضحک‌تر (یعنی "سوسیالیستی بودن ساختار رژیم!") بدل ساخت.

تعهد به ارائه درمان رایگان در بیمارستان‌های دولتی و به خصوص بیمارستان‌های متعلق به سازمان تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی یکی از قوانین روشن این حکومت است که در قانونی موسوم به «قانون الزام» تدوین شده است. این قانون سازمان تأمین اجتماعی را ملزم می‌کند که هر کس که توسط این نهاد بیمه شده باشد را از خدمات درمان رایگان بهره‌مند کند.

همچنین بر اساس همین قانون کلیه بیماران دارای سابقه بیمه تأمین اجتماعی که بالاتر از ۶۰ سال سن دارند، در کلیه مراکز دولتی (اعم از مراکز متعلق به نهادهای خیریه‌ها، سازمان تأمین اجتماعی و دانشگاه‌های علوم پزشکی) باید تمامی مراحل درمان را از تشخیص و ویزیت بیمار تا درمان و دریافت دارو را رایگان فراهم کنند.

اتفاقی که از سال‌های میانی دهه ۱۳۸۰ به بعد رخ داده این است که حکومت به صورت چراغ خاموش با ایجاد کسری در صندوق‌های بازنشستگی و از جمله تأمین اجتماعی، رفته رفته شرایطی را ایجاد کرده که بدون حذف آن قانون الزام‌آور به درمان رایگان، رفته رفته پدیده درمان رایگان بطورکلی حذف شود.

از یک طرف با بدهکار کردن تأمین اجتماعی به بانک‌ها و نهادهای مختلف از طریق نپرداختن تعهدات دولت به این صندوق بزرگ کارگری، کار را به جایی رسانده که این نهاد نسبت به تمام داروخانه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌ها بدهکار باشد و از سوی دیگر این بدهی باعث شده تا به مرور نهاد درمان رایگان در ایران حذف شود.

این روزها بازنشستگان به دفعات توضیح می‌دهند که در بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بزرگ تأمین اجتماعی ایران که موظف به ارائه درمان رایگان (به ویژه برای بازنشستگان) هستند، دیگر چنین اقدامی را انجام نمی‌دهند و خدمات را به صورت پولی انجام می‌دهند. از بیمارستان‌های بزرگی مثل میلاد، معیری، کاشانی تا سایر مراکز در شهرهای دیگر، محل انبوه مراجعانی است که برخلاف دهه‌های گذشته



روشن است که جمهوری اسلامی دست از این سیاست بر نمیدارد و زور خود را می زند به گفته یکی از آخوندها "حجاب سقوط کند، یعنی پرچم جمهوری اسلامی سقوط کرده است." این جمله بسیار واقعی است. سقوط حجاب یعنی سقوط جمهوری اسلامی، یعنی بی اعتبار شدن اسلام و قوانین اسلامی، یعنی بر باد رفتن مقدسات اسلامی و جمهوری اسلامی. بی دلیل نیست از دادگاه و بسیج و سپاه و گشت‌های ارشاد و مجلس همه دست به دست هم داده اند تا آبروی اسلام و نظام اسلامی را حفظ کنند.

چندین ماه است با آغاز خیزش انقلابی مهسا که با هدف سرنگونی دایناسورهای اسلامی آغاز شد، جمهوری اسلامی برای حفظ موجودیت نکبت‌بار خود آنچه جنایت بود مرتکب شد تا جامعه را ساکت و مردم را مرعوب کند. از همه ابزارهای ممکن از سرکوب و دستگیری و اعدام و تجاوز روی گردان نبود تا جامعه را منکوب کند. علیه بی حجابی زنان به هر ترفندی متوسل شد تا حجاب و ستون اسلامی را که مورد تعرض بی سابقه قرار گرفته است حفظ کند. اما موفق نشدند. جمهوری اسلامی بیهوده تلاش می کند که دوباره با گسیل وحوش اسلامی به خیابانها به خیال خود زنان را کنترل و حجاب اسلامی را دوباره اجباری کند.

دو ماه دیگر سالروز مرگ مهسا و آغاز خیزش انقلابی است. آغازی که علارغم توقفهای موقت، سر باز ایستادن ندارد و این جنگ در گوشه و کنار جامعه برای شکستن موانع و پیشروی ادامه دارد. جمهوری اسلامی با تمام امکانات برای حفظ بقا می کوشد و جامعه در برابرش مقاومت می کند و در فکر باز کردن راههایی برای پیشروی است. زنان مقاومت می کنند و حاضر به تسلیم نیستند. جمهوری اسلامی بازنده این جنگ است.



بازگشت گشت ارشاد به خیابانها، این سیاست شکست خورده است!

سعید یگانه

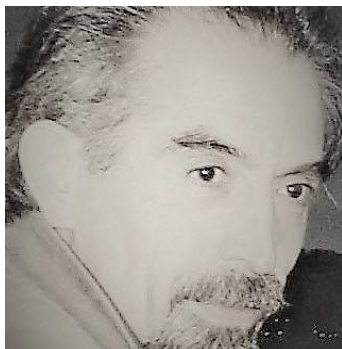
جمهوری اسلامی بعد از ۱۰ ماه بر چیدن گشت ارشاد، اراذل و اوباش اسلامی را دوباره به خیابانها گسیل داده است. در کنار آغاز فعالیت گشت ارشاد و تهدید و خط و نشان کشیدن برای زنان، لایحه عفاف و حجاب نیز در مجلس در حال بررسی است. مجازات و محکوم کردن زنان بی حجاب به شستن میت، فرستادن به مرکز روان درمانی، بستن و پلمپ مغازه ها، مصادره گواهینامه و منع رانندگی، نصب دوربینها برای کنترل پوشش و شناسایی زنان و عدم اجازه ورود خانمهای بدون حجاب به میترو و دهها محدودیتهای دیگر در محیط کارنقوانسته زنان را از راهی که آغاز کرده اند پشیمان کند.

همزمان تعدادی از نمایندگان مجلس شکوه دارند که این اقدام غیر قانونی است و گفته اند که مسولان از کردارشان درس نمی گیرند و آن را به دوایر خودسرنسبت داده اند. سپاه پاسداران هم اعلام کرده اند که به دستور رئیسی وارد عمل شده اند. نمایندگان مجلس نگران از دست دادن اوضاع می گویند که حجاب اصل نیست، عفاف اصل است. سیاست سلبی درست نیست و در جامعه نا آرمی ایجاد می کند. این حامیان نظام می دانند که این سیاست شکست خورده است و راه به جایی نمی برند. به این دلیل لب به شکایت گشوده اند چون می دانند بیشتر اسلام و جمهوری اسلامی زیر ضرب قرار میگیرد. حتی جامعه مدرسین قم گفته اند برخورد خشونت آمیز با زنان به دلیل تن ندادن به حجاب غیر انسانی و سیاسی شکست خورده است. مقاومت زنان و برگرداندن سیلی به صورت رژیم، بالایی ها را سراسیمه کرده و نظام را در خطر می بینند.

همه این واقعیتهای نشان می دهد که جمهوری اسلامی در تحمیل حجاب اسلامی به زنان شکست خورده است و نشان دهنده این است که جامعه، بخصوص زنان در مقابل زورگویی رژیم و اسرار بر تحمیل حجاب مقاومت نشان داده و تسلیم نشده و میدان را خالی نکرده اند. این واقعیت را به جهانیان نشان می دهد که تحمیل حجاب اسلامی به عنوان سمبل و پایه حاکمیت اسلامی سیاسی در ایران با موج برگشت روبرو شده است و بازگشت اراذل و اوباش اسلامی به خیابانها آخرین نبردی است که جمهوری اسلامی با زنان می خواهد آغاز کند. زمانی که در خیابانها حجاب سوزان آغاز شد و عکس خامنه ای و خمینی به عنوان سنبل ارتجاع به آتش کشیدند و در مدارس زیر لگد گرفتند و حجاب، این نماد حقارت زن را به دور انداختند، فاتحه حجاب اسلامی خوانده شد و جامعه از این خاکریز عبور کرد. جنگ میدانی رژیم علیه زنان خیلی وقت است آغاز شده، این یکی هم بدون تردید شکست خواهد خورد هر چقدر هم زور بزنند و جنایت کنند.

وقتی سپیده قلیان زندانی سیاسی حاضر نیست با حجاب در دادگاه حاضر شود. سپیده ای که در چنگال جنایتکاران اسیر است و با شهامت از حق آزادی پوشش به عنوان حق ابتدایی خود دفاع می کند، دلیلی ندارد که میلیونها زن مثل سپیده و رشنوکه مخالف حجاب اسلامی هستند و میخواهند آزاد زندگی کنند تن به این حقارت بدهند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!



سنگرهایی فتح میشود و روزی علیه بازپسگیری دستاوردها مقاومت صورت میگیرد. سپیده ها پرچم مقاومت و قبول نکردن و نه گفتن در شرایطی اند که حکومت اعدامی تعرض میکند و جنایت سازمان میدهد. این شهامت انقلابی، که انعکاسی از اراده و خودآگاهی یک جامعه آستان انقلاب است، قابل تقدیر است. بویژه وقتی عده ای آیه یاس میخوانند و وظیفه خود را "اعلام شکست" قرار داده اند تا بتوانند عنصر استیصال را در مقابل عنصر امید بر جامعه حاکم کنند.

درد بر سپیده های آزادی و برابری و زنان شورشی که برای جامعه ای آزاد و مرفه و خوشبخت مبارزه می کنند. درد بر زنان و مردانی که ایستاده اند و بر پیمان با جانبختگان پای می فشارند.

۲۸ تیرماه ۱۴۰۲

#نه_روسی_نه_توسری_آزادی_برابری
#حجاب_بی_حجاب
#سپیده_رشنو
#گشت_ارشاد
#حکومت_اعدامی_نمیخوایم

بر دادگاه بینم که به سراغ حقیقت آمده اند

دیروز سه شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۲ سپیده قلیان در نامه ای نوشت:

مردم شریف ایران، چنانچه می دانید اعلام کرده بودم، که در دادگاه نمایشی جمهوری اسلامی در پی شکایت بازجو خبرنگار آمنة سادات ذبیح پور شرکت نمی کنم. امروز به من ابلاغ کردند که دادگاه من فردا علی برگزار خواهد شد.

از آنجایی که هیچ ترسی از بازگویی حقیقت در ملا عام ندارم، تصمیم گرفتم در این بیدادگاه شرکت کرده و از خودم دفاع کنم. امیدوارم در میان خیل امنیتی کاران خبری و فرهنگی شان، خبرنگاران و فعالانی را در این بیدادگاه بینم که به سراغ حقیقت آمده اند.

دادگاه من فردا (چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۲) در ساعت ۹:۳۰ صبح در آدرس «تهران، اوین، درکه، هزار سنگ، خیابان اعرابی- درب ورودی ملاقات اوین- مجتمع کجویی» برگزار می شود.



درخشش سپیده های آزادی و برابری

سپیده قلیان نمادیک جنبش است!

سیاوش دانشور

هر چه شنیدن نام سپیده قلیان در دل هر انسان شریف و آزادیخواهی محبت و سمپاتی ایجاد میکند، نام آمنة سادات ذبیح پور، این بازجو- خبرنگار، انزجار و آنتی پاتی در وجود انسان تولید میکند. #سپیده_قلیان، #سپیده_رشنو، نمادی از دهها میلیون سپیده اند که بخشی از آنها در برآمد انقلابی شهریور ۱۴۰۱، شجاعانه و مبتکرانه در صف اول علیه فقر و فساد و جمهوری اعدامی قد برافراشتند و حجاب اسلامی این سمبل بردگی زن را به آتش کشیدند. آمنة سادات اما جزو سرکوبگران، شکنجه گران، پرونده سازان و قاتلین هزاران عزیز ما است.

زندانها، دادگاه ها و دستگاه سرکوب، اساس دولت و مرکز ثقل قدرت حاکمیت بورژوائی را تشکیل می دهند. در هر انقلابی نیز این ارکان مستقیماً بمصاف طلبیده میشوند. در زندان نیز مانند کارخانه و خیابان، جنگ جاری است. اینجا اما جنگ نابرابرتر است. زندانی تنها تن رنجور و جانش را دارد و زندان بان یک ماشین قوی سرکوب که خون در هر گوشه آن نلمه زده است. سپیده حاضر نشد با حجاب به دادگاه برود؛ او در این لحظه در جنگ حکومت و در جنگی نابرابر، نماینده جنبش انقلابی زنان شورشی علیه حجاب و آپارتاید جنسی است. او با این اقدام میگوید تسلیم راه نیست، از او باش گشت ارشاد نباید ترسید، آنها هستند که از عزم و شجاعت انقلابی ما قالب تهی کرده اند، مقاومت و ادامه مبارزه تا پیروزی تنها راه است. سپیده با اقدام انقلابی اش مرکز ثقل قدرت را به سخره گرفت.

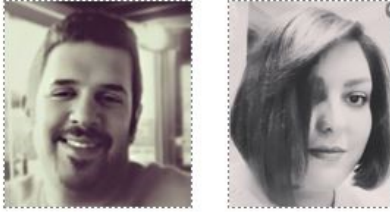
پارسال همین روزهای آخر تیرماه بود که #سپیده_رشنو را بعد از مشاخره درون اتوبوس بازداشت کردند. بازداشت سپیده رشنو یک لحظه از مقاومت و مبارزه ای حاد علیه حجاب اسلامی در تابستان گذشته بود. یکی از افراد حکومت که ظاهراً کمی عقل در سر داشت، بعد از شکنجه سپیده رشنو و نشان دادنش در تلویزیون، گفت: "ایران بیست میلیون سپیده دارد، برای این باید فکری کرد". چیزی نگذشت که قتل مهسا (ژینا) امینی، به بشکه باروت انزجار جامعه جرقه زد و چهره ایران را دگرگون کرد. یک مشخصه قوی برآمد انقلابی و توده ای، قامت بلند زنان شورشی است که علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی و دستورات نخ نمای صنعت دین اسلام بیخاسته اند. حجاب برگیران و حجاب سوزان روزنه ای است که از دریچه آن میتوان مناظر بزرگ یک موج آنتی اسلامبستی و ضد مذهبی و تغییراتی زیر و رو کننده در مقیاس وسیع را به تماشا نشست. ایران ۱۴۰۱ جهانی را به وجد آورد و خود نیز به ارتفاع بالاتری رفت.

این روزها سپیده های آزادی و برابری در زندان و مدرسه و دانشگاه و کارخانه و خیابان مقاومت میکنند و زبونی دشمن را به وی یادآور میشوند. در دوره انقلابی مقاطع مختلف و متضاد و تناسب قوای موقت و مختلف محتمل و ممکن اند. روزی رژیم در حال اضمحلال است و روزی تعرض و جنایت میکند، روزی اعتصاب و اعتراض گسترده است و روزی علیه حملات حکومت سنگربندی میشود. روزی

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر



موهای افشان سپیده قلیان، لرزه بر پیکره نظام انداخت و دادگاه کذایی رسیدگی به اتهامات او را تعطیل کرد!

روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه، در آستانه نزدیک شدن به سالگرد ۲۵ شهریور و شروع خیزش انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی، سپیده قلیان تودهنی محکم دیگری به کل رژیم اسلامی زد و به محبوبترین شخصیت فعال سیاسی مدافع آزادیخواهی و برابری طلبی جامعه ایران تبدیل شده است.

پیشتر سپیده قلیان، فعال کارگری محبوس در زندان اوین در نامه‌های اعلام کرد بود در هیچ دادگاه نمایشی رژیم اسلامی شرکت نخواهد کرد. در اوایل هفته به او ابلاغ شده دادگاهی که در ارتباط با پرونده تازه او برگزار خواهد شد، علنی است.

سپیده قلیان با تیزبینی و تشخیص شرایط مناسب در نامه از درون زندان خطاب به «مردم شریف ایران» نوشت: چنانچه می‌دانید، اعلام کرده بودم که در دادگاه نمایشی جمهوری اسلامی در پی شکایت بازجو خبرنگار «آمنه سادات ذبیح‌پور» شرکت نمی‌کنم. امروز به من ابلاغ کردند که دادگاه من فردا علنی برگزار خواهد شد، از آنجایی که هیچ ترسی از بازگویی حقیقت در ملاءعام ندارم، تصمیم گرفتم در این بی‌دادگاه شرکت کرده و از خودم دفاع کنم. سپیده قلیان در این نامه کوتاه ابراز امیدواری کرد که در میان خیل امنیتی‌کاران خبری و فرهنگی‌شان، خبرنگاران و فعالانی را در این بی‌دادگاه ببینم که به سراغ حقیقت آمده‌اند.

روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه دست اندرکاران قوه «قضائیه» اعلام کردند: «علیرغم حضور "ریاست دادگاه و نماینده دادستان و نماینده شاکی" و انتظار کافی و طولانی مدت "دادگاه" و نظر به اینکه متهم سپیده قلیان با عنایت به "توصیه‌های فراوان" حاضر به رعایت "حجاب" نشد؛ لذا جهت تشکیل جلسه به دادگاه اعزام نشد.»

شاکی این پرونده بازجو، خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی آمنه سادات ذبیح‌پور است. سپیده قلیان پس از آزادی در فضای مجازی خود اعلام کرد که آمنه سادات ذبیح‌پور در مراحل بازجویی او حضور داشته است و متنی را بمنظور روخوانی به وی داده است.

آمنه سادات ذبیح‌پور قبلاً گفته بود شکایتش را پس گرفته است، آن را به خدا واگذار میکند، اما از آنجا که در سیستم فاسد رژیم اسلامی اصل اولویت بر حفظ نظام است، از بازجو خبرنگار تا شکنجه‌گر و «قاضی» در خدمت آن قرار می‌گیرند. سپیده قلیان، با اراد و شجاعتی که دارد تن به تحقیر تحمیل حجاب اسلامی نداد و در این نبرد پیروزمند بیرون آمد!

ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن محکوم کردن هرگونه فشار بر سپیده قلیان و همه زندانیان سیاسی به اراده محکم و به شجاعت سپیده قلیان درود می‌فرستیم و خواهان آزادی فوری او و همه زندانیان سیاسی هستیم!

مدیر شرکت پویا پلیمر سندانج چهار کارگر معترض را اخراج کرد

روز شنبه ۲۴ تیرماه ۱۴۰۲، چهار نفر از کارگران شرکت پویا پلیمر سندانج از سوی رحمان رضایی، مدیر داخلی این شرکت از کار خود

اخراج شدند. مدیر این شرکت علت اخراج این کارگران را برهم زدن نظم عمومی سالن تولید برای تحریک کارگران برای اعتصاب عنوان کرده است. در این گزارش، اسامی کارگران اخراج شده، رضا محمدی، رزگار صمدی، شیلان عیدی و نوشین قاسمی اعلام شده است. شرکت پویا پلیمر سندانج، سازنده لوله و اتصالات پلیمری با ۹۶ کارگر است که در دو شیفت ۱۲ ساعته و عمدتاً بدون داشتن بیمه تأمین اجتماعی مشغول به کار هستند. کارگران این شرکت از حدود سه ماه پیش حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و در واکنش به این وضعیت دست به اعتراض زده بودند.

تجمع اعتراضی کارگران مجتمع فولاد گیلان در پی مرگ یک کارگر

روز یکشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۲ کارگران مجتمع فولاد گیلان در اعتراض به مرگ یکی از همکارانشان بر اثر بی‌مبالاتی مسئولان شرکت تجمع کرده و تهدید نموده‌اند چنانچه به وضعیت اسفناک این شرکت رسیدگی نشود، دست از کار کشیده و به سمت استانداری گیلان حرکت میکنند!

روز شنبه ۲۴ تیرماه ۱۴۰۲، دو کارگر شاغل در بخش عمران کارخانه فولاد گیلان حین انجام کار بر اثر ریزش بتن روی سرشان دچار حادثه می‌شوند. هویت کارگر کشته شده رحمان قربانزاده اعلام شده است. هر دو کارگر از تکنسین‌های باتجربه بخش عمران کارخانه بودند که حین کار با ریزش ناگهانی بتن روی سرشان از ارتفاع به داخل چاله روغن سقوط کردند و بلافاصله یکی جان خود را از دست داد و دیگری با وضعیت نامناسب جسمی مصدوم شده که برای درمان به بیمارستان پورسینای رشت انتقال پیدا کرد و هنوز از وضعیت جسمی‌اش اطلاعی در دست نیست.

تجمع اعتراضی کارگران هفت‌تپه مقابل شرکت طرح توسعه در اهواز

روز سه‌شنبه مورخ ۲۷ تیرماه ۱۴۰۲ تعدادی از کارگران نیشکر هفت‌تپه به نمایندگی از سایر همکاران خود و در ادامه تجمعات اعتراضی در خصوص نحوه اجرا و بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل در مقابل ساختمان مرکزی شرکت طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی در اهواز تجمع اعتراضی برگزار نمودند. در این تجمع کارگران تاکید داشتند تا رسیدن به خواسته و مطالبات قانونی خود به اعتراض ادامه داده و در صورت عدم رسیدگی مسئولین تجمع خود را با حداکثر نیرو در مقابل استانداری خوزستان ادامه خواهند داد. این کارگران بر لزوم کارشناسی بی طرف جهت اجرا و بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل تاکید دارند چرا که آقای ابدال زاده مجری طرح بازنگری خود از مدیران طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی است و اجرای بازنگری توسط ایشان خلاف قانون کار میباشد.

۱۲۰ کارگر کارخانه تولید تراورس زاهدان در آستانه بیکاری

یک منبع کارگری از کارخانه‌ی «تراورس جنوب شرق زاهدان» از توقف تولید در هفته‌های گذشته و نگرانی از بیکاری قریب‌الوقوع خبر داد. به گفته این کارگر، حدود ۱۲۰ کارگر از مجموع ۲۰۰ کارگر این کارخانه که به تولید تراورس‌های بتنی مشغول هستند، در آستانه بیکاری قرار دارند و مسئولان باید فکری به حال این کارخانه که حدود دو هزار خانواده از آن نان می‌خورند، بکنند. وی اضافه کرد، چون

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته‌ی دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً در محل شرکت مخابرات این استان ها دست به گردهمایی زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری استان ها

روز سه‌شنبه ۲۷ تیرماه ۱۴۰۲، جمعی از بازنشستگان کشوری کرمانشاه، یزد، البرز، فارس، همدان، کردستان، قزوین و اردبیل مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری در این شهر دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی معلمان در شیراز

روز سه‌شنبه ۲۷ تیرماه ۱۴۰۲، جمعی از معلمان شیراز در اعتراض به زندانی کردن فعالین صنفی معلمان و عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع زدند.

پرسنل بیمارستان‌های خاتم و ایران در ایرانشهر اعتصاب کردند

از روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۲، پرسنل بیمارستان خاتم و بیمارستان ایران در شهرستان ایرانشهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه ها دست به اعتصاب زدند. بسیاری از پرسنل بیمارستان خاتم و بیمارستان ایران به دلیل عدم پرداخت حقوق و بیمه اعتصاب کردند و سرکار نرفتند اما مسئولین به جای حل مشکل پرسنل را تهدید کرده و میگویند اگر سرکار نیابید اخراج میشوید. گفته میشود، مدت چهار ماه است که پرسنل حقوق دریافت نکرده اند و مسئولین از دادن حقوق امتناع کرده و به جای حل مشکل آنها را تهدید به اخراج کرده اند.

اعتراض معلولان مقابل بهزیستی

معلولان در شهرهای کرمان، اردبیل، کرمانشاه در اعتراض به عدم اجرای پنج‌ساله ماده ۲۷ قانون معلولان و در سومین تجمع سراسری خود، روز یکشنبه ۲۵ تیرماه ۱۴۰۲ مقابل بهزیستی این استانها، و در تهران در مقابل مجلس، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز سه‌شنبه ۲۷ تیرماه نیز، جمعی از شهروندان ناتوان جسمی و حرکتی، در مقابل ساختمان شهرداری تهران، تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع اعتراضی نسبت به واگذاری سامانه حمل و نقل معلولان به بخش خصوصی است و این شهروندان معتقدند بخش خصوصی آنگونه که باید به وظایف خود عمل نمی کند. آنها، پیش از این هم، روز یکشنبه هفته جاری، جمعی را در اعتراض به اجرا نشدن ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان معترض هستند و همچنین اعتراضی نسبت به حذف ردیف بودجه قانون حمایت از معلولان برگزار کردند و از مسئولان مربوطه خواستار پیگیری جدی در این خصوص شدند.

خودداری فعالان فرهنگی از حضور در دادگاه

روز چهارشنبه ۲۱ تیر، شماره‌ای ناشناس از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران طی تماسی تلفنی به وثیقه‌گذارهای این سه فعال صنفی فرهنگی اعلام کرد که آقایان نیکخواه، محمدی و لطفی می‌بایست روز سه‌شنبه ۲۷ تیر در جلسه رسیدگی حاضر شوند. این سه معلم به دلیل اینکه فاصله زمانی مصرح در قانون آیین دادرسی کیفری از زمان ابلاغ تا رسیدگی رعایت نشده است؛ همچنین به دلیل اینکه هیچ حضاریه‌ای برای حضور آن‌ها و وکلا در جلسه دادرسی آن‌ها صادر و

صفحه ۱۵

پروژه ریل گذاری راه آهن از خاش به سمت چابهار در حال ساخت است؛ تقریباً کار در این منطقه ریلی زاهدان به اتمام رسیده و کارگران به مرخصی فرستاده شده‌اند. ما انتظار داریم با توجه به اینکه نیروها اکثراً بومی هستند و بعد از پایان مرخصی؛ کاری برایشان وجود ندارد با مساعدت کارفرما و راه آهن جنوب شرق برای انجام کار یا به کارگاه خاش انتقال داده شده یا در پروژه‌های دیگر به کار گرفته شوند.

مرگ کارگر ارومیه‌ای بر اثر سقوط از ساختمان ۹ طبقه

سربازرس سامانه رفاهی کارگران ساختمانی آذربایجان غربی گفت: کریم محمد زاده کارگر ۳۴ ساله اهل روستای صومای برادوست ارومیه بر اثر سقوط از ساختمان ۹ طبقه نیمه کاره در خیابان بدیعی ارومیه فوت کرد. عمری افزود: این کارگر پدر ۳ فرزند و آرماتور بند بوده که از طبقه هشتم به پنجم سقوط کرده و جان خود را از دست داده است. نایب رئیس انجمن‌های کارگری استان همچنین با بیان اینکه این کارگر ساختمانی از بیمه تامین اجتماعی برخوردار نبوده گفت: کارگر مذکور فقط از بیمه مدنی مسئولیت ساختمانی برخوردار است.

فقدان ایمنی کار جان یک کارگر جوشکار را گرفت

یک کارگر جوشکار حین کار در یک ساختمان در حال ساخت دچار برق گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. در این گزارش اشاره‌ای به هویت این کارگر نشده است اما این حادثه در روستای ده محسن شهرستان خرم‌آباد رخ داده است. این کارگر جوان مشغول جوشکاری اسکلت ساختمان بوده که بر اثر اتصالی سیم‌ها دچار برق گرفتگی شده و فوت کرده است. سازمان پزشکی قانونی ایران اخیراً شمار کارگرانی که در سال ۱۴۰۱ در حوادث کاری کشته شدند را ۱۹۰۰ تن اعلام کرد. بر پایه این آمار، روزانه بیش از پنج کارگر جان خود را در اثر حوادث کار از دست داده‌اند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۲۵ تیرماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز، شوش، رشت و کرمانشاه در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل سازمان تأمین اجتماعی این شهرها مجدداً دست به تجمع و راهپیمایی زدند. لازم به ذکر است در همین روز بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان نیز مقابل ساختمان صندوق فولاد این شهر دست به تجمع زدند. روز دوشنبه ۲۶ تیرماه نیز جمعی از بازنشستگان مخابرات اهواز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته‌ی دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات اهواز دست به تجمع زدند.

اجتماع و اعتراض بازنشستگان مخابرات استان ها

روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان مخابرات مشهد، مازندران، سنندج و کرمانشاه، در اعتراض به عدم رسیدگی به

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سیده امیرعسگری و آرش کله

ابلاغ نشده است، اعلام می‌دارند که در اعتراض به نقض قانون از سوی

دادگاه و روند‌های غیرقانونی و غیرقضایی به شرحی

که گذشت و اعتراض به پرونده‌سازی و سناریوسازی‌های مکرر یک‌سال گذشته علیه فعالان صنفی معلمان و دیگر فعالان صنفی بازداشتی، در جلسه ساعت ۱۰ امروز سه‌شنبه مورخ ۲۷ تیر ۱۴۰۲ از حضور در دادگاه خودداری نمودند.

این فعالین صنفی در روز معلم و همزمان با روز جهانی کارگر ۱۴۰۱ بازداشت و حدود شش ماه در بند دو الف سپاه و ۲۰۹ وزارت اطلاعات محبوس شدند. این معلمان به دلیل قصد دیدار با نماینده از تشکل صنفی معلمان فرانسه به نام سیسل کوهلر، همراه با تعدادی دیگر از فعالین کارگری و صنفی برای مدت‌ها تحت فشار قرار گرفتند تا به اجبار اعتراضاتی انجام دهند و با انتشار کلیپ‌های ساختگی، سعی کردند تا تمامی اعتراضات مردم و معلمان را به این دیدار مرتبط کنند. در نهایت، در چهاردهم آذرماه، این سه فعال صنفی با پرداخت وثیقه دو نیم میلیاردی برای دومین بار آزاد شدند.

دادگاه انقلاب تهران، شعبه ۲۸، جلسه دادگاهی را در تاریخ دوم اسفندماه ۱۴۰۱ برگزار کرد. بعد از نیم ساعت از شروع جلسه، قاضی عموزاد اعلام کرد که پرونده به دستور دادستان به شعبه ۱۵ ارجاع شده است و این شعبه صلاحیت رسیدگی به این پرونده را ندارد. تغییر شعبه پس از برگزاری دادگاه، خلاف قوانین قضایی است. در نهایت، شعبه ۱۵ تحت ریاست قاضی صلواتی، بدون ابلاغ الکترونیکی و فقط با تماس با وثیقه‌گذار، روز سه‌شنبه ۲۷ تیرماه را برای حضور در دادگاه اعلام کرده بود.

جان عباس دریس همچنان در خطر است

فرشته تابانیان، وکیل عباس دریس، شنبه ۲۴ تیرماه، از ثبت درخواست اعاده دادرسی برای موکلش خبر داد. این وکیل دادگستری با بیان این که «خانواده رضا صیادی به طور رسمی اعلام کرده‌اند که هیچ شکایتی از آقای دریس ندارند»، گفت: «این هفته در تهران پیگیری پرونده بودیم. با ۲ تن از وکلای ساکن تهران پرونده را پیگیری کردیم و لایحه دفاعیه جدیدی تهیه شد و درخواست اعاده دادرسی برای پرونده عباس دریس در دیوان عالی کشور ثبت خواهد شد.» پیش‌تر اتهام عباس دریس، از بازداشت‌شدگان آبان ۹۸، «قتل عمد رضا صیادی»، از نیروهای یگان ویژه اعلام شده بود.

وخیم شدن وضعیت چشم و بینایی داود رضوی کارگر زندانی

بنا بر اعلام سندیکای شرکت واحد، داود رضوی عضو زندانی هیئت مدیره این سندیکای روز سه‌شنبه ۲۰ تیرماه توسط مسئولین زندان جهت معاینه به چشم پزشکی بیمارستان فارابی اعزام شد. چشم پزشک پس از معاینه و تجویز دارو متذکر شد که وضعیت چشمان رضوی خوب نیست و می‌باید به هیچ عنوان در معرض نور آفتاب قرار نگیرد و حتماً باید از عینک آفتابی استفاده کند. حتی پزشک فکر کرده بود که

چشم‌های وی بر اثر جوشکاری صدمه دیده است. چشم پزشک تاکید کرده که هر ۶ ماه یکبار جهت بررسی وضعیت چشم‌ها بایستی به بیمارستان آورده شود. با توجه به شرایطی سنی داود رضوی و داشتن بیماری‌های گوارشی و خونریزی معده و همچنین ناراحتی چشم که در طول بازداشت اضافه شده است، ادامه بازداشت و حبس طولانی برایش کاملاً مضر می‌باشد و با این وضعیت قادر به تحمل ادامه حبس نمی‌باشد، و باید در اسرع وقت جهت معالجات مختلف و پیشگیری از بدتر شدن وضعیت جسمانی اش از زندان مرخص گردد.

تأیید حکم شش سال زندان سارا سیاهپور از فعالان معلمان

در ادامه پرونده‌سازی‌های امنیتی و صدور احکام زندان برای معلمان و فعالان صنفی، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان گزارش کرده که حکم بدوی دادگاه تجدید نظر سارا سیاهپور، فعال صنفی معلمان عیناً تأیید و به شعبه یک اجرای احکام زندان اوین ارسال شده است. سارا سیاهپور، معلم و عضو کانون صنفی معلمان ایران (تهران) و فعال صنفی البرز بابت اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» به پنج سال حبس تعزیری و از بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری، محکوم شد. این معلم همچنین به دو سال ممنوع الخروجی از کشور، دو سال ممنوعیت عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی، و فعالیت در فضای مجازی محکوم شده است. طبق گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان این فعال صنفی معلمان در تمامی مراحل دادگاه خود از دسترسی به وکیل محروم شده است. سارا سیاهپور در شهریور ۱۴۰۱ به‌دست نیروهای اطلاعات «سپاه ثارالله» بازداشت و سپس با قید وثیقه تا مراحل رسیدگی دادگاه به صورت موقت آزاد شد. پیش‌تر اندی فیلمور، سیاستمدار و عضو پارلمان کانادا، کفالت سیاسی سارا سیاهپور را برعهده گرفته بود. این سیاستمدار دادگاه این معلم را «یک دادگاه ساختگی» خوانده بود.

برگزاری جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات رفیق سلیمی

بنابر گزارش منتشرشده، روز یکشنبه ۲۵ تیرماه ۱۴۰۲، جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات رفیق سلیمی فعال کارگری محبوس در زندان مرکزی سنندج از طریق ویدیو کنفرانس برگزار شد. بر اساس این گزارش جلسه دوم دادگاه به ۱۵ روز دیگر یعنی ۹ مردادماه ۱۴۰۲ موکول شده است. آقای سلیمی پیش‌تر نیز در تاریخ ۲۷ فروردین‌ماه ۱۴۰۲، به دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی نقی‌زاده معاون دادستان و رئیس شعبه دوم دادگاه انقلاب و عمومی سنندج، احضار شده بود. در جریان این جلسه دادگاهی، رفیق سلیمی به اتهام «ایجاد گروه‌های غیرقانونی و اقدام علیه امنیت ملی کشور» و «افساد فی‌الارض» (تفهیم اتهام شده است. به گفته خانواده رفیق سلیمی، این فعال کارگری در این جلسه دادگاهی کلیه اتهامات مطروحه علیه خود را رد کرده و به دفاع از خود پرداخته است. رفیق سلیمی روز چهارشنبه ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۱ پس از گذشت بیش از ۵۰ روز بازداشت و شکنجه در بازداشتگاه‌های اداره اطلاعات، به زندان مرکزی سنندج منتقل شده است. رفیق سلیمی بیمار است و از مشکلات جسمی رنج می‌برد و نیاز به رسیدگی پزشکی و دسترسی روزانه به درمان دارد. رفیق سلیمی و پسرش فواد سلیمی روز دوشنبه ۷ آذرماه ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی شهر سنندج در محل کار فواد سلیمی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده بودند.

زنده باد آزادی، برابری، رفاه عمومی!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب
پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی
سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی
ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده
رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان
صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج
نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

دبیر اجرایی
همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!